

**The Role of Political Demands in the Stability of Political
Development with a Focus on Iran**

Ismail Shahabinejad¹
Behnaz Azhdari²
Morteza Babaei Sakhmers³

Received: 10 March 2024
Reception: 6 April 2024

Abstract

Today, the role of political demands is very important in human societies, which are inevitable in the stabilization of democracies and political development. Therefore, from the point of view of political science, political demands and civil demands are considered as one of the main variables of political development and realization of democracy in societies. The main question of this research is what is the effect of political demands on the expansion and stabilization of political development? For this purpose, we used Huntington's theory and tried to examine the role of political participation, political activism, organizations, parties and political institutions as the most important factors of political demands on the dimensions of political development, focusing on Iran. The findings of the research show that political demands through active activism in parties, participation in elections and civil and social demands of citizens continuously play an effective role in expanding and stabilizing political development.

Keywords: Freedom, Political Development, Government, Political Culture, Political Demand

¹PhD student in Political Science, Department of Political Science, Baft Department, Islamic Azad University, Baft, Iran

²Assistant Professor, Department of Political Science, Baft Branch, Islamic Azad University, Baft, Iran

³Assistant Professor, Department of Political Science, Baft Branch, Islamic Azad University, Baft, Iran

نقش مطالبه گری سیاسی در تقویت ابعاد توسعه سیاسی با نگاهی به ایراناسماعیل شهابی نژاد^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰

بهناز اژدری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۱۸

مرتضی بابایی ساخمرس^۳**چکیده:**

امروزه نقش مطالبه گری سیاسی از اهمیتی بسیار در جوامع بشری برخوردار است که در تثبیت دموکراسی ها و توسعه سیاسی اجتناب ناپذیرند. بنابراین از دیدگاه علوم سیاسی، مطالبه گری سیاسی و مدنی یکی از متغیرهای اصلی توسعه سیاسی و تحقق دموکراسی در جوامع محسوب می شوند. پرسش اصلی است این پژوهش این است که مطالبه گری سیاسی چه تاثیری بر گسترش و تثبیت توسعه سیاسی دارد؟ بدین منظور از نظریه هانتینگتون بهره گرفته و تلاش شده است که در بحثی تاریخی، اثرات مشارکت سیاسی، کنشگری سیاسی، وجود تشکل ها و احزاب و نهادهای سیاسی را به عنوان مهمترین مولفه های مطالبه گری سیاسی بر ابعاد توسعه سیاسی با تمرکز بر ایران مورد بررسی قرار گیرد. یافته های پژوهش نشان می دهد که مطالبه گری سیاسی از طریق کنشگری فعال در احزاب، شرکت در انتخابات و مطالبه گری مدنی و اجتماعی شهروندان به طور پیوسته در گسترش و تثبیت توسعه سیاسی نقشی موثر دارند.

کلید واژگان: آزادی، توسعه سیاسی، دولت، فرهنگ سیاسی، مطالبه گری سیاسی

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران

^۲ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران

^۳ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران

از منظر علوم سیاسی، توسعه سیاسی^۱ بعنوان یکی از ارکان مهم توسعه، اهمیت بسیاری در دستیابی کشورها به توسعه دارد. از این منظر در راستای نیل و دستیابی کشورها و جوامع به توسعه سیاسی، عوامل و متغیرهای مختلفی همچون وجود احزاب و تشکل های سیاسی، توسعه رسانه های جمعی، توسعه فرهنگ سیاسی، امنیت سیاسی و مطالبه گری سیاسی نقش اساسی دارند. از آغاز مطالعات مربوط به توسعه، بر ارتباط نزدیک سیاست و اقتصاد تاکید می شد و صنعتی شدن، گسترش آموزش و ظهور رسانه های گروهی را عاملی موثر در بسیج سیاسی معرفی می کردند. این بسیج سیاسی ممکن بود به دموکراسی یا حکومتی پوپولیستی خودکامه منجر شود. بعدها این مطالعات نیز گسترش یافت و دیگر ابعاد توسعه سیاسی پرداخته شد. (آلموند، ۱۳۹۹: ۴۸۷-۴۴۵).

بعضی از پژوهشگران بر این باورند که مطالبه گری در هر جامعه ای در ابعاد و حوزه های مختلف همچون (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، محیط زیستی و سیاسی) بروز نموده و در جامعه مشاهده می شود که یکی از مهمترین و معمول ترین آنها مطالبه گری سیاسی می باشد. مطالعات محققین علوم سیاسی مارشال (۲۰۱۸) و جمله فلکس (۲۰۲۰)^۲ نشان می دهد که مطالبه گری سیاسی از مهمترین حقوق شهروندی افراد در جامعه محسوب می گردد که عدم توجه به آن در پاره ای از مواقع می تواند موجب ایجاد منازعات سیاسی و ایجاد اختلال در فرآیند توسعه سیاسی و نیل به دموکراسی گردد (اصلا نیان، ۱۴۰۰: ۶۴). مطالبه گری سیاسی نیز امروزه در محافل سیاسی و علمی و آکادمیک از موضوعات مهم می باشد. از دیدگاه علوم سیاسی، مطالبه گری سیاسی و مدنی یکی از متغیرهای پیشران و اصلی، توسعه فرهنگی سیاسی، توسعه سیاسی و تحقق دموکراسی در جوامع محسوب می شود. اندیشمندان علوم سیاسی همانند هریسون (۲۰۱۷)، هانتینگتون (۲۰۱۸) و مارشال (۲۰۱۸) بر این باورند که مطالبه گری سیاسی بعنوان یکی از حقوق اساسی شهروندی است که به نسبت توسعه یافتگی جوامع به تدریج با افزایش امنیت سیاسی در جامعه شکل گرفته و نقش مهمی بر فرآیند توسعه سیاسی و نیل به دموکراسی در جامعه ایفاء می نماید. این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این پرسش اصلی است که مطالبه گری سیاسی چه تاثیری بر گسترش و تثبیت توسعه سیاسی دارد؟ در پاسخ به پرسش بنیادی پژوهش حاضر تلاش شده است که در بحثی تاریخی، ابعاد تاثیرگذار مطالبه گری سیاسی را بر توسعه سیاسی با نگاهی به ایران مورد توجه قرار گیرد.

^۱ political development

^۲ Marshall and Jamal Flex

پیشینه تحقیق

مایرون واینر و ساموئل هانتینگتون (۱۳۹۱)، در درک توسعه سیاسی به جایگاه مطالعات توسعه و ابعاد تاثیرگذار آن بر توسعه سیاسی پرداخته اند.

حسین سیف زاده (۱۳۷۵) در کتاب نوسازی و دگرگونی سیاسی به نظریه های موثر در خصوص توسعه سیاسی و همچنین نقش رهبری در گسترش توسعه سیاسی پرداخته است.

ساموئل هانتینگتون (۱۳۹۸) در کتاب سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی به موضوع توسعه سیاسی و ثبات و ایجاد نظم و به بررسی نیروهای اجتماعی و نهادهای سیاسی پرداخته است.

معزی و همکاران (۱۳۹۷) نشان داده اند که رابطه و جایگاه دو مؤلفه «امنیت» و «توسعه» نقش مهمی در فهم و تحلیل سیاست خارجی دولت ها دارد. در اولویت قرار دادن یکی از این دو امر از سوی کشورها همواره باعث شکل-گیری دو نوع سیاست خارجی "امنیت محور" و "توسعه محور" بوده است.

اطاعت و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی نشان داده اند توسعه نابرابر در فضاهای سیاسی یک سرزمین می تواند بستر مناسبی را برای ایجاد متغیرهای اثرگذار بر مؤلفه های امنیت ملی و تکوین نواحی بحرانی فراهم نماید.

کاترینا و همکاران (۲۰۱۷)^۳ نشان داده اند که بین میزان امنیت سیاسی و توسعه سیاسی در کشورهای مورد مطالعه رابطه معناداری وجود داشته آنان همچنین نشان داده اند که بین عدم توسعه سیاسی و گرایش به سمت افراط گرایی اسلامی در این کشورها رابطه معناداری وجود داشته است.

الکسی واسیلیف (۲۰۱۵)^۴ در مطالعه تاریخی خود در کشورهای اروپای شرقی طی جنگ سرد نشان داره است که رابطه معناداری بین مطالبه گری اجتماعی و شاخص های توسعه سیاسی در این کشورها وجود داشته است.

لون کوئیست و همکاران (۲۰۱۴)^۵ در مطالعات خود در کشورهای عربی نشان داده اند بین افزایش امنیت سیاسی و پیشبرد توسعه سیاسی در این کشورها رابطه معناداری وجود دارد آنان همچنین نشان داده اند که رابطه معناداری بین افزایش

Katrina et al^۳
Alexey Vasiliev^۴
Lonquist et al^۵

امنیت سیاسی و رشد فرهنگ سیاسی برقرار می باشد.

داس ویل (۲۰۱۳)^۶ در مطالعات خود با مطالعه ۲۲ کشور آفریقایی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ میلادی نشان داده است که کشورهایی که از امنیت سیاسی و ثبات سیاسی لازم برخوردار هستند در توسعه سیاسی و توسعه دموکراسی موفق تر عمل نموده اند. نوآوری پژوهش حاضر این است که تاکنون کمتر پژوهشی به نقش مطالبه گری سیاسی در گسترش توسعه سیاسی پرداخته است.

مبانی نظری توسعه سیاسی

رونالد چیکلوت^۷: رونالد چیکلوت در تعریفی که در خصوص توسعه سیاسی ارائه داده است توسعه سیاسی را نهادینه کردن مشارکت سیاسی در جهت ایجاد تغییرات سیاسی در راستای نیل به دموکراسی تعریف می نماید. (سریع القلم، ۱۳۹۶: ۲۷۳).

گابریل آلموند^۸: وی در کتاب معروف خود تحت عنوان «سیاست های مقایسه ای» به شرح و بسط افکار خود پیرامون توسعه سیاسی پرداخته است. به نظر او ریشه اصلی هدایت گری و نیروی محرکه اساسی توسعه سیاسی را می توان هم در محیط بین المللی و یا در جامعه داخلی و یا در میان برگزیدگان سیاسی داخل در نظام بین المللی پیدا نمود. اما اگر پویش توسعه سیاسی ناشی از مسائل داخلی باشد، به دلیل گسترش تجارت و رونق و پیشرفت صنعت طبقه متوسطی پدید آمده که این طبقه خواهان انجام اصلاحات عمومی و بهبود وضعیت خود و برآوردن نیازهای جدید در عرصه اقتصاد و سیاست و اجتماع بوده و از این رو تبدیل به نیروی محرکه ایجاد توسعه سیاسی برای برآوردن نیازهایش می شود. اگر پویش توسعه به دلیل اقدامات و تصمیمات برگزیدگان سیاسی باشد، آنها در جستجوی افزایش منابع قدرت و دارایی خود برای تداوم و استمرار حکومتشان بوده و از این رو با ایجاد توسعه سیاسی ظرفیت نظام سیاسی و توانایی آن را بالا برده، تا بدین طریق پایه های سلطه خود را مستحکم تر نمایند (آلموند، ۱۳۹۷: ۶۸). گابریل آلموند به سه شاخص توزیع منابع قدرت، افزایش توانمندی کنشگران سیاسی، توسعه نهادهای مدنی و سیاسی) بعنوان ابعاد توسعه سیاسی اشاره نموده است (مرادی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۳) از نظر آلموند اگر نظام سیاسی چهار مشکل موجود را حل نماید امکان تحقق توسعه سیاسی در جامعه هست و آن چهار مشکل عبارتند از:

^۶Dosville

^۷Ronald Chiclot

^۸Gabriel Almond

الف) مشکل نفوذ قدرت سیاسی و یکپارچگی.

ب) ایجاد حس وفاداری و تعهد نسبت به ملت و منافع ملی و نظام سیاسی در میان توده ها.

ج) مشکل مشارکت که موجب پیدایش خواسته های جدید به ویژه پیرامون سهم شدن در امر قدرت و تصمیم گیری سیاسی می شود.

د) ایجاد روند توزیع منابع و امکانات مادی و فرصت های مختلف زندگی همچون فرصت تحصیلی و کسب درآمد و ایجاد حرف تازه و سایر موارد نظارت و کنترل داشته باشد (آلموند و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۶۴).

جمیز کلمن^۹: جمیز کلمن معتقد است توسعه سیاسی، فراگردی است که زمینه نهادی کردن تشکلهای و مشارکت سیاسی آنها را فراهم می کند و حاصل آن، افزایش توانمندی افراد، احزاب و گروهها، برای مشارکت قانونمند در فضای سیاسی جامعه است. فراگرد: رویدادها و روابطی که بطور مداوم در حال تغییر هستند. وی بر این باور است که توسعه سیاسی از مفاهیم جامعه شناسی است که به معنای افزایش ظرفیت و کارایی یک نظام سیاسی در حل و فصل تضادهای منافع فردی و جمعی، ترکیب مردمی بودن، آزادی و تغییرات اساسی در یک جامعه است از نظر کلمن، توسعه سیاسی عبارت است از مرادوه مستمر بین فعالیت های ساختاری، ظرفیت های همگرا، الزامات برابری، پاسخگویی و سیستم سازگار شونده سیاسی (کلمن، ۱۳۹۳: ۱۳۷).

مایکل راش^{۱۰}: مایکل راش توسعه سیاسی را از منظر جامعه شناسی سیاسی مورد مطالعه و تحلیل و تبیین قرار داده است و معتقد است که توسعه سیاسی در حقیقت بخشی از توسعه اجتماعی جامعه محسوب می گردد که در قالب فرآیند کلی توسعه اجتماعی اقتصادی و فرهنگی جامعه قابل تحلیل و تبیین می باشد. وی توسعه سیاسی را در حقیقت تغییر ارزش های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه به سمت میسر شدن دموکراسی در جامعه تعریف نموده و معتقد است که توسعه سیاسی در قالب محقق شدن ارزش های دموکراتیک در یک جامعه ایجاد می شود.

به اعتقاد مایکل راش مشارکت سیاسی و اجتماعی تابعی از فرآیند توسعه سیاسی است. وی در خصوص شاخص ها و مولفه های توسعه سیاسی به مولفه های متعددی همچون (گسترش فرهنگ سیاسی، تحقق ارزش های دموکراتیک، ایجاد و توسعه نهادها و تشکلهای سیاسی، نهادینه شدن فعالیت های سیاسی و افزایش امکان مشارکت سیاسی) اشاره دارد، اما آنچه که بیش از همه در خصوص شاخص ها و مولفه های توسعه سیاسی مورد تاکید مایکل راش می باشد موضوع

⁹ James Coleman

¹⁰ Michael Rush

مشارکت سیاسی است. وی در این خصوص بیان می نماید که توسعه سیاسی باید به افزایش تقاضای شهروندان برای مشارکت سیاسی بیشتر در ابعاد مختلف منجر گردد وی تاکید می نماید که مسلماً تقاضا برای مشارکت سیاسی در ابعاد و سطوح مختلف یکی از مولفه های اجتناب ناپذیر توسعه سیاسی در هر جامعه می باشد (راش، ۱۳۹۹: ۲۷-۲۴).

لوسین پای¹¹: «پای» کوشید با ترکیب معانی و تعاریف متفاوتی که در باب توسعه سیاسی مطرح شده بود، به یک تعریف ترکیبی دست یابد. بنابراین از نظر او توسعه سیاسی عبارت است از حرکت به سوی برابری فزاینده میان افراد در سیستم سیاسی؛ از این لحاظ توسعه سیاسی به مشارکت توده ها و اقدام عمومی در فعالیتهای سیاسی مربوط است. این مشارکت ممکن است به صورت تحرک دموکراتیک یا در شکل تحرک توتالیترباشد، اما نکته اصلی تبدیل شدن مردم به شهروندان فعال است. در این مورد دست کم صورت ظاهر حاکمیت عمومی ضروری است و نیز قوانین باید دارای ماهیت همگانی باشد و در اجرا کم و بیش از جنبه تفاوت های شخصی خارج شود و دستیابی به مقامات سیاسی باید با توجه به دستاوردها، لیاقت ها و صلاحیتها باشد، نه نتیجه روال انتصابی در نظامهای اجتماعی سنتی، وی در خصوص ظرفیت فزاینده سیستم سیاسی در ارتباط با محیط خود معتقد است، این ویژگی توسعه سیاسی به توانایی نظام سیاسی در دادن (برون دادها) و به میزان تأثیر آن بر جامعه و اقتصاد اشاره دارد. ظرفیت، با اجرای وظایف حکومتی و شرایط اثرگذار بر این اجرا همراه است و تمایلی است به تخصصی کردن حکومت و عقلایی کردن مدیریت (پای و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۴۷). وی سه ویژگی مهم را برای مفهوم توسعه سیاسی مشخص می کند:

الف) برابری: از این لحاظ توسعه سیاسی به مشارکت توده ای و اقدام عمومی در فعالیت های سیاسی مربوط است. این مشارکت ممکن است به صورت تحرک دموکراتیک یا در شکل تحرک توتالیترباشد، اما نکته اصلی تبدیل شدن مردم به شهروندان فعال است. در این مورد دست کم صورت ظاهر حاکمیت عمومی ضروری است. و نیز قوانین باید دارای ماهیت همگانی باشد و در اجرا کم و بیش از جنبه تفاوت های شخصی خارج شود و دستیابی به مقامات سیاسی باید با توجه به دستاوردها، لیاقت ها و صلاحیت ها باشد، نه نتیجه روال انتصابی در نظام های اجتماعی سنتی.

ب) ظرفیت: این ویژگی توسعه سیاسی به توانایی نظام سیاسی در دادن «برون دادها» و به میزان تأثیر آن بر جامعه و اقتصاد اشاره دارد. ظرفیت همچنین با اجرای وظایف حکومتی و شرایط اثرگذار بر این اجرا همراه است و تمایلی است به

¹¹ Lucien Pye

تخصصی کردن حکومت به عقلایی کردن مدیریت و دادن سمت گیری دنیایی به جامعه.

ج) تغییر تدریجی: این ویژگی توسعه سیاسی برگسترش و اختصاصی کردن ساختارها دلالت می کند. مقامات و کارگزاری ها تمایل می یابند وظایف مشخص و محدودی داشته باشند و تقسیم کار متعادل در درون حکومت وجود داشته باشد. این ویژگی همچنین متضمن یکپارچه کردن مجموعه ساختارها و روندهاست. (موتقی، ۱۳۹۷: ۲۲)

ساموئل هانتینگتون¹²: هانتینگتون توسعه سیاسی را در قالب تفکیک ساختارهای سیاسی، مشارکت داوطلبانه، حکومت عقلایی و فعالیت های سیاسی و اجتماعی مستمر تعریف می نماید وی مفهوم توسعه سیاسی را براساس میزان صنعتی شدن، تحریک و تجهیز اجتماعی، رشد اقتصادی و مشارکت سیاسی مورد ارزیابی قرارداد و بر این اعتقاد است؛ در فرایند توسعه سیاسی تقاضاهای جدیدی به صورت مشارکت و ایفای نقش های جدیدتر ظهور می کنند. بنابراین نظام سیاسی باید از ظرفیت و توانایی های لازم برای تغییر وضعیت برخوردار باشد، در غیر این صورت سیستم با بی ثباتی و هرج و مرج روبرو خواهد شد. نکته ای که در اندیشه هانتینگتون در مورد توسعه سیاسی وجود دارد این است از اندیشه هانتینگتون دو برداشت دوگانه شده است. برخی بر این باورند که توسعه سیاسی از نظر هانتینگتون ثبات سیاسی است. ثبات سیاسی که ممکن است در قالب نظام های مختلف به دست آید. برخی دیگر اما؛ بر این باورند که منظور هانتینگتون از توسعه سیاسی همان رشد و گسترش دموکراسی است. توسعه سیاسی را هر چه بدانیم اما، هانتینگتون دیدگاه خود را در مورد گسترش دموکراسی در کشور های جهان سوم داده است. (اعتباریان و خوراسگانی، ۱۳۹۶: ۱۳۰).

از دیدگاه وی مفهوم توسعه سیاسی براساس میزان صنعتی شدن، تحریک و تجهیز اجتماعی، رشد اقتصادی و مشارکت سیاسی مورد ارزیابی قرارداد و بر این اعتقاد است؛ در فرایند توسعه سیاسی تقاضاهای جدیدی به صورت مشارکت و ایفای نقش های جدیدتر ظهور می کنند. بنابراین نظام سیاسی باید از ظرفیت و توانایی های لازم برای تغییر وضعیت برخوردار باشد، در غیر این صورت سیستم با بی ثباتی، هرج و مرج روبرو خواهد شد لذا از دیدگاه وی توسعه سیاسی عبارت است از آفرینش نهادهای سیاسی دارای ویژگی های پیچیدگی، استقلال و انسجام برای جذب و تنظیم مشارکت گروه های جدید و ترویج تغییر اجتماعی و اقتصادی در جامعه. هانتینگتون شاخص های (ارتقای هویت ملی و همگرایی، مشروعیت و مقبولیت بخشیدن به نظام سیاسی، افزایش توافق بر سر دموکراسی و گسترش دموکراسی، مشروع دانستن کنش های سیاسی کنشگران سیاسی، مشروع

¹²Samuel Huntington

دانستن آزادی های مدنی و سیاسی، ارتقای امنیت کنشگران سیاسی، رشد نهادهای سیاسی شامل گروه ها، تشکل ها و احزاب سیاسی، نهادینه شدن قانون، افزایش مشارکت سیاسی کاهش منازعات سیاسی، افزایش ثبات سیاسی) را بعنوان مهمترین ابعاد و مولفه های توسعه سیاسی مطرح نموده است (هانتینگتون، ۱۳۹۵: ۸۶-۶۰).

با عنایت به نظریه های مطرح شده مرتبط با موضوع و متغیرهای تحقیق، چارچوب نظری پژوهش تدوین گردیده است. در این پژوهش در خصوص متغیر توسعه سیاسی بعنوان متغیر وابسته (ملاک) از نظریه توسعه سیاسی ساموئل هانتینگتون استفاده شده است. هانتینگتون، ابعاد مشارکت سیاسی، کنشگری سیاسی، وجود تشکل ها و احزاب سیاسی را به عنوان مهمترین ابعاد و مولفه های توسعه سیاسی مطرح نموده است. مطالبه گری سیاسی از طریق مشارکت و کنشگری سیاسی از جلوه های موثر بر توسعه سیاسی در این پژوهش می باشد.

مزیت های مطالبه گری سیاسی

جامعه شناسان بر این باورند که مطالبه گری از حقوق اساسی اقشار مختلف جامعه است و قوانین و مقررات اجتماعی و حاکمیتی بر مبنای آن تدوین می گردد و تأثیر چشمگیری در تحقق حکمرانی شایسته سالارانه دارد، به گونه ای که سبب احیا و پایداری به حقوق شهروندی و عاملی برای توسعه و پیشرفت جامعه است. منشأ این حق، هم آزادی و اختیار انسان است و هم منشأ خدادادی و فطری دارد (امیری و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۳). به بیان دیگر از منظر جامعه شناسی تمامی ابعاد ذکر شده مطالبه گری بطور کلان در قالب مفهوم کلی مطالبه گری اجتماعی تبیین می گردند.

«هانتینگتون» معتقد است انگیزه ها و همچنین فواید و تاثیرات مطالبه گری سیاسی را می توان در سطوح مختلف (فردی، تشکیلاتی و حزبی، عمومی و نظام سیاسی) جستجو نمود. وی در خصوص ابعاد مطالبه گری سیاسی معتقد است، مطالبه گری سیاسی دارای ابعاد مختلفی است که مهمترین آنها شامل ابعاد (اجتماعی، فرهنگی، هنری، اقتصادی، معیشتی، صنفی، بهداشتی و درمانی، محیط زیستی و ...) می باشد (هانتینگتون، ۱۳۹۸: ۲۱۴)

تی، اچ مارشال (۲۰۱۷) ^{۱۳} معتقد است حقوق شهروندی و مدنی، شکلی از قدرت هستند که از سوی جامعه برای پاسخگو بودن حاکمیت ایجاد و توسعه یافته اند و یکی از مهمترین این حقوق شهروندی حق مطالبه گری در ابعاد مختلف اجتماعی، مدنی و سیاسی است. این جامعه شناس انگلیسی، مطالبه گری

^{۱۳} T., H. Marshall

را مجموعه‌ای از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی دانسته و معتقد است مطالبه‌گری بعنوان یکی از حقوق اساسی شهروندان است که جامعه آن را به تمامی اعضا اعطا نموده و به موجب آن تمامی افراد از جایگاه، حقوق و وظایف برابر که توسط قانون حمایت و تثبیت شده برخوردارند. به عقیده او، «حق مطالبه‌گری حقی طبیعی است که دست‌یافتن به آن به فرد و یا گروه امکان برخورداری از حقوق اجتماعی و قدرت را می‌دهد» (Marshall, T. H. 2018). وی سه سنجه و شاخص را برای کلیه شهروندان به عنوان مولفه‌ها و ابعاد مطالبه‌گری مطرح می‌نماید که عبارتند از:

۱- مطالبه‌گری در بعد حقوق مدنی شامل (حق مالکیت، حق برخورداری از عدالت، حق برخورداری از آموزش، دسترسی آزاد به اخبار و اطلاعات، نبود سانسور و ..)

۲- مطالبه‌گری در بعد حقوق سیاسی شامل (تحقق آزادی‌های فردی، آزادی بیان، حق مشارکت در اعمال قدرت سیاسی، حق برخورداری از انتخابات آزاد، حق نظارت بر عملکرد قدرت سیاسی، حق انتقاد از قدرت سیاسی، حق شرکت در تجمعات سیاسی عاری از خشونت، حق عضویت در تشکل‌ها، گروه‌ها و احزاب سیاسی و برخورداری از امنیت سیاسی) می‌باشد.

۳- حقوق اجتماعی شامل (حق تامین نیازهای رفاهی اقتصادی شامل برخورداری از مسکن مناسب، تغذیه مناسب، پوشاک مناسب، اوقات فراغت مناسب، پوشش بیمه‌ای مناسب، حق برخورداری از حداقل رفاه اجتماعی، حق برخورداری از تامین اجتماعی و بیمه، حق برخورداری از شغل مناسب، حق برخورداری از دستمزد و حقوق متناسب با شغل، حق برخورداری از امنیت، تحقق منزلت اجتماعی، حق مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، حق سهیم بودن در میراث اجتماعی، حق استفاده از پوشش دلخواه، حق برخورداری از حمایت اجتماعی، برخورداری از حق رشد و پیشرفت و تحرک اجتماعی متناسب با قابلیت‌های فردی و...) (Marshall, T. H. 2017)

امروزه مطالبه‌گری بویژه از طریق وسایل ارتباط جمعی دارای چنان قدرتی است که می‌تواند تغییرات شگرفی را در سطح جوامع پدید آورد. به نظر می‌رسد مطالبه‌گری رویکردی است فرهنگی، سیاسی که خواست و اراده مردم را به صورت انفرادی و جمعی، به منظور توسعه همه‌جانبه جامعه بر دستگاه حاکمیتی، تحمیل و یا وارد کرده، به گونه‌ای که عدم برآورد خواست مردم منجر به ایجاد نارضایتی عمومی و در نهایت شدت موج انفجار خواهد شد. از جمله محاسن این روحیه به عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی، همانا کنترل و نظارت بر عملکرد

مسئولین است که وظیفه اصلی آنان علاوه بر تدبیر و برنامه‌ریزی برای ایجاد رفاه و امنیت جامعه، مهیا نمودن بستر رشد با نگاهی توسعه‌محور است. در این مورد چنانچه خلایی در انجام وظیفه‌شان پدید آید دو حالت وجود دارد.

۱- اگر روح مطالبه‌گری حاکم باشد تبیین‌گر همگونی و تشریک مساعی بین مردم و حاکمیت است که تبلور نظام‌های سیاسی دموکراتیک‌محور است.

۲- چنانچه این روح محصور در اندیشه باشد و در عمل بروز نیابد، نه تنها خواست و اراده محکوم به شکست است، بلکه مرتبه‌ای از خیز و جولان را برای مسئولین ناکارآمد و بی‌تعهد فراهم می‌آورد که به همراه خود نارسایی‌ها و آسیب‌های اجتماعی فراوانی را ایجاد می‌کند. (عنبری، ۱۳۹۸: ۶۴).

از دیگر مزایای مطالبه‌گری اجتماعی می‌توان به تاثیر مطالبه‌گری در رشد و توسعه اقتصادی اشاره نمود امروزه جامعه‌شناسان توسعه بر این باورند که بین رشد فرهنگ مطالبه‌گری اجتماعی و افزایش پاسخگویی مسئولین در خصوص عملکرد اقتصادی شان و در نتیجه رشد اقتصادی جامعه رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد چنانکه در کشورهایی که دارای نظام‌های دموکراتیک بوده و مطالبه‌گری اجتماعی در آن رشد یافته و نهادینه شده از آهنگ رشد و توسعه اقتصادی سریع تری برخوردار می‌باشند و بعکس در اغلب کشورهایی که نظام‌های دیکتاتوری حاکم است و مطالبه‌گری اجتماعی کمی در آنها وجود دارد به نسبت استبدادی بودن نظام‌های شان از توسعه و رشد اقتصادی کمتری برخوردار می‌باشند.

تاثیر مطالبه‌گری اجتماعی در کاهش مفاسد اداری و اقتصادی از جمله اختلاس، ارتشاء، رشوه خواری، پارتی بازی، خویشاوندسالاری، قانون‌گریزی و ... از دیگر مزایای مطالبه‌گری اجتماعی می‌باشد اندیشمندان بر این باورند که عدم نهادینه شدن مطالبه‌گری اجتماعی در جامعه موجب عدم الزام مدیران و مسئولین و نهادهای قدرت به پاسخگویی در خصوص عملکردهای شان شده و این مسئله بستر ساز افزایش انواع مفاسد اداری و اقتصادی در جامعه می‌گردد که نشانه‌های آن به وضوح در بسیاری از کشورها و از جمله کشور ایران دیده می‌شود لذا ایستادگی مردم در برابر مفاسد نهادهای قدرت و مسئولان و توضیح خواستن از آنان در خصوص عملکردشان نه تنها بعنوان یکی از حقوق اساسی مطرح می‌باشد بلکه تاثیر زیادی در کاهش مفاسد اداری و اقتصادی در جوامع دارد (وثوقی، ۱۳۸۹: ۵۸-۵۶).

از دیگر مزایای مطالبه‌گری در جامعه می‌توان به تاثیر مطالبه‌گری اجتماعی در رشد فرهنگ سیاسی جامعه و رشد مشارکت‌های سیاسی و نهایتاً توسعه سیاسی جامعه اشاره نمود. علمای علوم سیاسی از جمله نظریه پردازان جامعه‌شناسی سیاسی بر این باورند که نهادینه نمودن فرهنگ مطالبه‌گری اجتماعی در جامعه بویژه در بعد مطالبه‌گری سیاسی موجب رشد فرهنگ سیاسی جامعه شده و رشد فرهنگ سیاسی در افزایش تمایل افراد جامعه به مشارکت سیاسی و در نتیجه توسعه سیاسی در جامعه تاثیر بسیار زیادی خواهد گذاشت. لذا می‌توان گفت توسعه سیاسی هر جامعه ریشه در نهادینه شدن فرهنگ مطالبه‌گری اجتماعی در ابعاد مختلف از جمله در بعد مطالبه‌گری سیاسی دارد (حیدر زاده، ۱۳۹۵: ۲۱۴).

روش‌های مطالبه‌گری

از منظر جامعه‌شناسی در مجموع سه نوع شیوه مطالبه‌گری در جوامع مختلف مشاهده می‌شود که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

مطالبه‌گری توسط مردم: در این شیوه مطالبه‌گری و برگزاری کارزارها می‌تواند توسط مردم و اجتماعاتی انجام شود که به طور مستقیم تحت تاثیر مسئله‌ای هستند که برای آن مطالبه‌گری می‌شود سازمان‌ها و حامیان مالی می‌توانند از گروه‌های مطالبه‌گر حمایت همه‌جانبه کنند اما باید توجه داشت که این حمایت می‌تواند موجب انحراف اولویت‌ها و خواسته‌های افراد و سازمان‌های درگیر شود. راهبری و تصمیم‌گیری باید از داخل اجتماعات مطالبه‌گر برآمده باشد و داخل آن نیز بماند. در چنین شرایطی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در آگاهی‌سازی و اطلاع‌رسانی حیاتی است.

مطالبه‌گری همراه مردم: در بسیاری از موارد ممکن است اجتماعات و سازمان‌های مردم‌نهاد همزمان و برای مسائل یکسان و یا شبیه بهم مطالبه‌گری کنند. در چنین شرایطی مهم است که اجتماعات و سازمان‌ها بتوانند باهم و در سطحی برابر همکاری کنند در این شیوه سازمان‌های مردم‌نهاد از منابع مالی، جایگاه اجتماعی، و دانش برخوردارند. بسیار مهم است که این سه مورد موجب نشود سازمان‌ها بر کارزار اجتماعی غلبه پیدا کنند و پروسه مطالبه‌گری را در دست بگیرند. مهم است که مطالبه‌گری به طور مشترک توسط اجتماعاتی که مسئله اجتماعی موجود به آنها مربوط می‌شود و سازمان‌های مردم‌نهاد انجام شود. اینکه راهبری و تصمیم‌گیری توسط چه کسی و یا چه کسانی انجام شود قابل گفتگو است.

مطالبه‌گری برای مردم: در بسیاری مواقع سازمان‌ها و مردمانی که به طور مستقیم آسیب‌پذیر نیستند و مسئله مطالبه‌گری مستقیم به آنها مربوط نمی‌شود می‌توانند مطالبه‌گر باشند. معمولاً این اتفاق در شرایطی می‌افتد که بدنه جامعه مدنی مکان امن‌تری برای حرف زدن باشد و کسانی که مسئله مورد مطالبه به آنها مربوط باشد مورد تهدید قرار گرفته باشند در چنین شرایطی معمولاً استفاده از افراد قدر و شناخته شده باعث تسریع و اثرگذاری مطالبه‌گری می‌شود. لازم و ضروری است که سازمان‌های مردم‌نهاد به طور مداوم با اجتماع درگیر مشورت کنند و هم استراتژی مطالبه‌گری و هم راه حل پیشنهاد داده شده با آنها مطرح شود. همچنین مهم است که اختلاف نظرهای موجود و احتمالی (به خصوص در تصمیم‌گیری) به رسمیت شناخته شود و با عموم مطرح شود (اصلانی میلانی، ۱۴۰۰: ۶۷).

مطالبه‌گری سیاسی و تاثیر آن بر ابعاد توسعه سیاسی در ایران

مطالبه‌گری دستیابی به جامعه‌ای آرمان‌گرا و قانون‌مند است. بر همین اساس مطالبه‌گری سیاسی هم مانند همه امور مرتبط با زندگی انسان‌های اجتماعی، تابع قواعد، ضوابط، ملزومات و الزامات خاص اجتماعی و اشکال متنوعی می‌باشد. مطالبه‌گری اجتماعی، مدنی و سیاسی از ابعاد تاثیرگذار مطالبه‌گری سیاسی است که در زیر با تمرکز بر موضوع ایران مورد توجه قرار می‌گیرد.

مطالبه‌گری اجتماعی: اراده عمومی برای متقاعد کردن سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی به منظور احقاق حقوق شهروندی است که نه تنها به بهزیستی اجتماعی کمک می‌کند بلکه زمینه عدالت اجتماعی گسترده را نیز فراهم می‌کند. این مفهوم را می‌توان از مناظر مختلفی همچون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی یا فرهنگی بازتعریف و دسته‌بندی نمود. امروزه یکی از مهمترین دسته‌بندی‌های رایج مطالبه‌گری را به دو دسته کلان مطالبه‌گری صنفی و مدنی تقسیم‌بندی نمود (دایمی زحمتی، ۱۴۰۰: ۲۳).

مطالبه‌گری صنفی و مدنی: مطالبات اجتماعی کمتر احتمال دارد که در قلب کنشگری فردی ایجاد شوند و لذا معمولاً یکی از اشکال مهم مطالبه‌گری اجتماعی در جامعه در قالب تشکیل اصناف، تشکل، انجمن‌ها یا سندیکاها در حوزه‌های مختلف اقتصادی، حرفه‌ای، هنری، ورزشی و امثالهم شکل می‌گیرد. در این شکل از مطالبه‌گری معمولاً اعضای یک صنف و یا سندیکای خاص مثلاً صنف فروشندگان یک کالای خاص و یا سندیکای کارگری در یک کارخانه و یا بنگاه اقتصادی مشخص و یا انجمن هنرمندان در رشته هنری خاص و برای مطرح نمودن خواسته‌ها و دغدغه‌های خود با شیوه‌های مختلف به مطالبه‌گری می‌پردازند. در این شکل از مطالبه‌گری، افراد محدود به یک قشر خاص از

جامعه می‌باشند. همچنین موضوع مطالبه‌گری موضوعات مدنی و اجتماعی را شامل می‌شود که عمدتاً در حوزه‌هایی همچون مقابله و کاهش آسیب‌های اجتماعی، جرائم، سلامت اجتماعی، توسعه حقوق شهروندی و آزادی‌های مدنی قرار دارند. مطالبات مدنی معمولاً از سوی شهروندان و بصورت گروهی و جمعی در قالب تشکل‌های اجتماعی و بویژه سازمان‌های اجتماعی مردم‌نهاد شکل می‌گیرد. این دسته از مطالبه‌گری معمولاً دارای اهداف سیاسی و اقتصادی نمی‌باشند و هدف آنها توسعه حقوق شهروندی و آزادی‌های مدنی است. طی دهه ۱۳۹۰ شمسی در ایران، مطالبات اجتماعی در قالب جنبشهای زیست‌محیطی و کارگری و اقتصادی متبلور شده و در ابتدا صرفاً ابعادی اجتماعی و صنفی داشت و بعد از ناکامی در دستیابی به اهداف خود، ویژگی سیاسی پیدا کرد. به عنوان مثال درخواستهای صنفی کارگران ماشین‌سازی اراک در سال ۱۳۹۵ در بهبود دستمزد و قراردادهای کار و تغییر مدیرعامل کارخانه مورد توجه قرار گرفت و به تدریج حل و فصل شد. اما بسیاری از درخواستهای صنفی با بی‌تفاوتی و عدم توجه دولت‌ها به این نوع مطالبات، بحرانهای سیاسی جدیدی پدید آورد و دولت را با کاهش مشروعیت روبرو ساخت. بخشی از اعتراضات صنفی در رابطه با موسسات مالی و اعتباری در دهه ۹۰ و عدم پاسخگویی مسئولان به مطالبات مالی سپرده‌گذاران از مواردی بود که منجر به بروز بحرانهای سیاسی و بی‌ثباتی شد.

مطالبه‌گری سیاسی: یکی از مهمترین مطالبات در حوزه علوم سیاسی، مطالبه‌گری سیاسی است که بطور معمول از طریق تشکل‌ها و احزاب سیاسی سازمان‌دهی و در قالب گردهمایی‌های سیاسی متینگ‌ها و همایش‌های سیاسی، اعتراضات خیابانی و ... به وقوع می‌پیوندد و اهدافی همچون (توسعه آزادی‌های سیاسی، آزادی بیان، توسعه امنیت سیاسی، به رسمیت شناختن افکار و اندیشه‌های سیاسی، آزادی زندانیان سیاسی، توسعه فرهنگ سیاسی، مبارزه با دیکتاتوری، توسعه دموکراسی و ...) دنبال می‌نماید. از منظر اندیشمندان علوم سیاسی مطالبه‌گری سیاسی از بارزترین و مهمترین اشکال مشارکت سیاسی شهروندان و بالاترین سطح مشارکت سیاسی کنشگران سیاسی و تشکل‌ها و احزاب سیاسی در جامعه محسوب می‌گردد که در پاره‌ای از مواقع می‌تواند موجب ایجاد منازعات سیاسی و همچنین تحولات سیاسی در سطوح مختلف از جمله انقلاب گردد. (مه‌دی‌ان، ۱۳۹۹: ۹۵-۹۸).

بنابراین کنش سیاسی یکی از مهمترین رویکردهای موثر در مطالبه‌گری سیاسی است که در استقرار دموکراسی و توسعه سیاسی نقشی تاثیرگذار دارد و دموکراسی زمانی کاربرد دارد که شهروندان پیوسته در امر سیاسی مشارکت

فعالانه داشته باشند، از انتخاب سیاستگذاران تا تاثیرگذاری بر امر تصمیم سازی و عضویت در احزاب و انجمن‌ها از مظاهر کنشگری سیاسی و مطالبه‌گری سیاسی است که امروزه در انتخابات، فعالیتهای سیاسی و اجتماعی و رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی قابل مشاهده است. هدف نظامهای سیاسی نیز تقویت مشارکت سیاسی و جهت دهی خواسته‌ها و آگاهی سیاسی است که به ثبات و توسعه سیاسی منجر شود. بنابراین از این منظر انتخابات و رای دادن عصاره کل زندگی سیاسی است و کاهش مشارکت سیاسی به معنای بحران مشارکت یادآور همه بحرانهای توسعه از بحران هویت و مشروعیت تا بحرانهای جامعه پذیری سیاسی، ادغام و توزیع است. بنابراین دولتها می‌بایست به مطالبات سیاسی توجه کنند و تعادل و عدالت را در امر سیاسی مورد توجه قرار دهند. وجود بحران در این تعادل می‌تواند به بحرانهای اجتماعی و تبدیل آن به بحران سیاسی و شکل گیری بی‌ثباتی سیاسی و نظم سیاسی بیانجامد. به طور کلی دولتها به مانند یک نظام ساختاری - کارکردی وظیفه توجه به مطالبات سیاسی و اجتماعی و برآورده ساختن آنها را دارد و این از کارکردهای اصلی دولت می‌باشد. (نقیب زاده، ۱۳۸۰: ۱۸۹-۱۸۷). در این صورت می‌توان امیدوار بود که توسعه سیاسی در یک جامعه از ثبات لازم برخوردار است و کارکردی مشروعیت‌زا دارد. بازیگران سیاسی نیز در صورتی با نظامهای سیاسی همراهی می‌کنند که این کارویژه خدمات‌رسانی دولت به خوبی توان تنظیمی و عملکردی جامعه را داشته باشد. از همین رو مطالبه‌گری سیاسی از اهمیتی بنیادین در ثبات و بقای توسعه سیاسی برخوردار بوده و بدون کارویژه رفاهی و خدماتی دولت، استمرار نظم و ثبات سیاسی نیز امکان پذیر نیست. فعالیت سیاسی کنشگران اجتماعی در احزاب و رسانه‌ها و برگزاری انتخابات در ایران از مظاهر مشارکت سیاسی و مطالبه‌گری سیاسی است که از سوی جامعه نسبت به امر سیاسی صورت می‌یابد. نمایندگان انتخابی مردم نیز وظیفه برآوردن مطالبات سیاسی و اجتماعی جامعه را برعهده دارند و کنشگران اجتماعی و سیاسی در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی نیز به عنوان یکی از ارکان مهم دموکراسی، وظیفه نظارت و پاسخگو نمودن قدرت سیاسی و انتخاب‌شوندگان را برعهده دارند. بنابراین پاسخگویی و عملکرد رفاهی دولت در مقابل جامعه، موجب استواری رابطه جامعه با دولت و تقویت توسعه سیاسی می‌گردد و نظم و ثبات سیاسی را برقرار می‌سازد.

نقش مطالبه‌گری سیاسی در تقویت ابعاد توسعه سیاسی با نگاهی به ایران.

از همین رو وجود رسانه‌های اجتماعی و کنشگران فعال سیاسی - اجتماعی در کنار مشارکت سیاسی و رقابت سیاسی در ایران، نوعی مطالبه‌گری سیاسی است که در بعد از انقلاب اسلامی موجب تقویت ابعاد توسعه سیاسی در ایران شده است و دولت به عنوان نهادی ساختاری - کارکردی وظیفه برآوردن نیازهای

متنوع جامعه سیاسی و جهت دهی به مطالبات فزاینده سیاسی را بر عهده دارد و پایداری و ثبات سیاسی نیز به استمرار آن وابسته است.

پژوهش حاضر به دنبال سنجش و تاثیرگذاری مطالبه‌گری سیاسی بر توسعه سیاسی با تمرکز بر ایران بوده است. مطالبه‌گری سیاسی از طریق کنشگری در شکل‌ها و احزاب سیاسی، مشارکت سیاسی و حتی در قالب گردهمایی‌ها و سخنرانی‌های سیاسی و مشارکت در انتخابات بروز و ظهور می‌یابد. بر مبنای یافته‌های پژوهش، تثبیت توسعه سیاسی از طریق مطالبه‌گری اجتماعی و مدنی، نقشی بی‌بدیل در توسعه سیاسی دارد و کنشگران اجتماعی و سیاسی در مرکز این مطالبه‌گری سیاسی قرار دارند. کنشگران سیاسی از طریق مطالبه‌گری سیاسی به کنترل سیاستمداران و سیاستگذاران می‌پردازند و از طریق مشارکت سیاسی و رسانه‌های اجتماعی ابزار کنترل آنها را در دست دارند. بر همین اساس تسلط و ارتباط با رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به ضرورتی مهم برای رهبران سیاسی تبدیل شده است و پیوندی پایدار میان مالکان رسانه‌ها و سیاستمداران وجود دارد. از همین رو امروزه ابعاد مطالبه‌گری اجتماعی، مدنی و سیاسی به امری پایدار و دایمی در سیاست تبدیل شده است و در مشارکت و رقابت سیاسی و استقرار و تثبیت توسعه سیاسی تاثیرگذار است. این مطالبه‌گری سیاسی در پویای‌های سیاسی و اجتماعی ایران نیز حایز اهمیت می‌باشد و در مطالبه‌گری اجتماعی و صنفی، مشارکت و رقابت سیاسی در انتخابات و فعالیت رسانه‌ای بروز و ظهور پیدا کرده است و دولت نیز به عنوان نهادی ساختاری - کارکردی وظیفه پاسخگویی به این مطالبات را برعهده دارد. به طور کلی بدون مطالبه‌گری سیاسی، نظارت و پاسخگویی تصمیم‌سازان و سیاستمداران امکان ندارد و این هدف از طریق کنشگری فعال سیاسی تحقق می‌یابد و موجب تقویت و تثبیت توسعه سیاسی در ایران می‌گردد.

- اصلا نیان میلانی، نسرین و همکاران (۱۴۰۰) شهروندی فرهنگی و مطالبه گری شهروندی، تهران، نشر آگرین
- اطاعت، جواد و همکاران (۱۳۹۰) رابطه متقابل امنیت ناحیه‌ای و توسعه‌یافتگی فضاهای سیاسی با تأکید بر سیستان و بلوچستان، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، دوره هفتم، شماره ۲۱
- امیری، عباسعلی و همکاران (۱۴۰۰) مطالبه گری، تهران نشر چلچراغ
- دایمی زحمتی، هاشم (۱۴۰۰) مطالبه گری، تهران، نشر زارعی
- سیف زاده، سید حسین (۱۳۷۵). نظریه های مختلف درباره راههای گوناگون نوسازی و دگرگونی سیاسی، تهران: قومس.
- معزی، علی و همکاران (۱۳۹۷) نسبیّت امنیت و توسعه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست جهانی، دوره هفتم شماره ۲
- مهدیان، محسن (۱۳۹۹) سواد مطالبه گری، تهران، نشر معارف
- موتقی، احمد (۱۳۹۷) نوسازی و توسعه سیاسی، تهران، نشر میزان
- نقیب زاده، احمد (۱۳۸۰). درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی، تهران: نشر سمت.
- هاشمی، داود (۱۳۹۶) امنیت سیاسی و شهروندان، تهران، نشر کتابراه
- الهامی، امیر حسین و همکاران (۱۳۹۶) تبیین نظری رابطه امنیت سیاسی با توسعه اقتصادی، نشریه امنیت ملی، دوره ۷، شماره ۲۳
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۹۸) سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی سیاسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علم.
- هانتینگتون، ساموئل و همکاران (۱۳۹۵) درک توسعه سیاسی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- واینر، مایرون و ساموئل هانتینگتون (۱۳۹۹). درک توسعه سیاسی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- Alexy Vasiliev (2015) Historical study of the process of political development and development of political culture in Eastern European countries during the Cold War, Political History Research Quarterly, National University of Brussels, Prague Studies Branch, Volume, 71, Number 7-8.
- Das Weil (2013) study of African countries from 2000 to 2010, African Political Studies Quarterly, University of Johannesburg, Volume, 36, Number 6 .
- Lonquist et al. (2014) Political Security and Promotion of Political Development in African Countries, Quarterly, Development of Politics and Economy and Security, University of Michigan South Africa Branch, Volume, 26, Number 9.

- Marshall, T. H. (2017), Class, Citizen and social Development. Chicago: University of Chicago Press
- Marshall, T. H. (2018) The model of social demand in citizenship rights. . Chicago: University of Chicago Press.
- Marshall, T.H.(2016) Social Policy in the twentieth Century, London, Hutchinson. 4th edition.